

فریدون آدمیت و رساله "یک کلمه" میرزا یوسف خان مستشارالدوله

فریدون آدمیت عمدتاً در دو کتاب فکرآزادی (۱۳۴۰) و اندیشه های میرزا فتحعلی آخوندزاده (۱۳۴۹) شخصیت، زندگی و دیدگاههای مستشارالدوله و رساله "یک کلمه" را مورد بررسی و تحلیل قرار داده است. آدمیت میرزا یوسف خان را "از پیشروان نشرفکر آزادی" می داند که در ایران شناخته نشده است و رساله "یک کلمه" او را در "حقوق اساسی فرد و مبانی حکومت ملی" ارزیابی می کند. وی با استناد به بند دهم "اصول کبیره اساسیه فرانسه" مبنی بر آنکه "اختیار و قبول ملت اساس همه تدابیر حکومت است" آنگونه که میرزا یوسف ترجمه کرده بود می نویسد: "تا جاییکه به تحقیق پیوسته او [مستشارالدوله] در ایران اولین نویسنده ای است که گفت منشأ قدرت دولت اراده جمهور ملت است". آدمیت بر این نظر است که در باره "تفکیک قدرت دولت از قدرت روحانی" اولین باروی سخن گفته است و این فکر که افراد مسلم و غیر مسلم از نظر حقوق اساسی برابرند و شاه و گدا در برابر قانون مساوی "از افکار ترقی خواهانه مستشارالدوله است.

آدمیت رساله "یک کلمه" را اقتباس از اصول قانون اساسی فرانسه می داند و می نویسد: "مستشارالدوله با توجه به افکار عامه و مقتضیات زمان کوشش کرده آن اصول را با مبانی شرع اسلام تطبیق دهد از اینرو در تأیید اصول مزبور از آیه های قرآن و احادیث و اخبار و گفته های علمای بزرگ اسلام شواهدی آورده... است". آدمیت در کتاب اندیشه های میرزا فتحعلی آخوندزاده نویسندگان "کشورهای اسلامی" را به سه گروه تقسیم می کند

- کسانی بودند که بنیادهای پیشرفت و ترقی مغرب را در "تعالیم مقدس شریعت اسلامی" می دانستند و آدمیت از سخن در باره آن ها می گذرد

- کسانی که آدمیت آن ها را "روشنفکران دینی" می خواند و برجسته ترین آن ها را سید جمال اسد آبادی معرفی می کند و می نویسد: "این کسان... اصول حکومت اروپایی را در منطق سیاست اسلامی جستجو می کردند".

- و گروه سوم اندیشمندانی بودند که به درجات گوناگون به فلسفه حکومت غربی پی برده "و گرایش ۳ باطنی فکری آنان دولت مشروطه عرفی غربی بود اما خواه از نظر مصلحت اندیشی سیاسی و خواه از لحاظ واقع بینی و آگاه بودن به نفوذ دیانت در اجتماع در پیش بردن افکار خود به شریعت متوسل می گشتند و چاشنی نوشته های خود می زدند

آدمیت مستشارالدوله را در شمار نمایندگان گروه سوم قرار می دهد و نقادی آخوندزاده بر "یک کلمه" را نمی پذیرد و ضمن ارج گذاری بر "دانش و بینش" آخوندزاده می نویسد: "آن نکته جویبها به شریعت باز می گشت نه بر یک کلمه عقاید نویسنده آن رساله [یک کلمه] پرداخته احکام دینی نبود بلکه عیناً

از اعلامیه حقوق بشر 1789 و قانون اساسی 1791 فرانسه گرفته شده بود فقط برای اینکه طرح خود را "مقبول عامه و اهل دولت استبدادی گرداند... آیات و احادیثی را بر صدق کفتار خود گواه آورده بود

در سخنان آدمیت آن گونه که نقل گردید رساله "یک کلمه" از جمله در "حقوق اساسی فرد" ارزیابی شده بود و به نظر می آید اشاره آدمیت در اینجا به مبحث مهم "حقوق طبیعی جدید" باشد که پس از آن فریدون آدمیت در جلد اول کتاب دیگر خود (ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران) آن بحث را بسط و ادامه داده است وی در کتاب اخیر خود می نویسد: "به هر حال فکر آزادی و اصول مشروطگی و نظام دموکراسی نه از شریعت نشأت می گرفت نه نوآوری های ملایان بودند مشروطیت بر پایه نظریه حاکمیت مردم بنا گردیده بود خواه آن رابه مأخذ فلسفه حقوق طبیعی توجیه نماییم و خواه تکیه گاهش را پیمان اجتماعی بدانیم

سید جواد طباطبایی در کتاب "نظریه حکومت قانون در ایران" بر این گفته آدمیت ایرادی وارد دانسته و نوشته است: "در این که از دیدگاه تاریخی "فکر آزادی و اصول مشروطگی" در ایران نه از شریعت نشأت می گرفت و نه از نوآوری های اهل شریعت بود تردیدی نیست

طباطبایی قسمت دوم جمله آدمیت را مورد بررسی قرار می دهد و می نویسد: "در اروپا مشروطیت در مرحله ای از تحول خود» به مأخذ حقوق طبیعی [جدید] و پیمان اجتماعی» توجیه نظری پیدا کرد. وی پس از اشاره به این نکته مهم که "حقوق طبیعی در تاریخ اندیشه اروپا دو مرحله متمایز" دارد می نویسد: در تاریخ حقوق در ایران دوره اسلامی نظریه حقوق طبیعی وجود ندارد. "طباطبایی پس از بحث مفصل خود در این زمینه که از تکرار مضمون آن نیز خسته نمی شود به نتیجه مهمی می رسد که: "نظریه مشروطیت ایران نمی توانست بر پایه حقوق طبیعی تدوین شود بلکه برعکس می بایست نظریه ای در قلمرو حقوق موضوعه باشد. دو نظام متفاوت حقوقی در اسلام و مسیحیت از سرشت متمایز دو گونه دیانت ناشی شده است و یکی از آن دو را نمی توان از دیگری قیاس گرفت

طباطبایی در ادامه می نویسد: "تاریخ نویس اندیشه مشروطه ایرانی نمی تواند به این تمایزهای بنیادین بی اعتنا بماند که مشروطیت ایران در مجلس اول تحولی در نظام سیاسی ایران ایجاد و شالوده ای برای حکومت قانون آورد. این حکومت قانون به خلاف حکومت قانون در نظام های جدید اروپایی که به مأخذ حقوق طبیعی توجیه می شد حکومت قانون مبتنی بر حقوق موضوعه بود." دیدگاه های سید جواد طباطبایی را پس از بررسی نگاه آلودانی در باره مشروطیت و رساله "یک کلمه" پی می گیریم

قسمت اول

[audio:http://goftar-berlin.de/wp-content/uploads/2012/10/2012-10-20_a.mp3]

قسمت دوم

[audio:http://goftar-berlin.de/wp-content/uploads/2012/10/2012-10-20_b.mp3]

دو سند "نخستین قانون اساسی رسمی ایران" و "قانون عدالت خانه های ممالک ایران" که "نخستین طرح برای آیین دادرسی در ایران است" و عرفی و غیرشرعی و صورتی تنظیم گشته حاصل ادامه تلاش های حقوقی میرزا یوسف خان تبریزی است.

مستشارالدوله در این دو سند مهم حقوقی میان دو حوزه عرف و شرع تمایز قایل می شود و با صراحت می نویسد که "امور معاش و زندگانی" باید از "امور معاد و آخرت" جدا و کتاب قانون برای امور دنیوی تدوین گردد.

مستشارالدوله حدود چهار سال برای آبادی کشور و برقراری حکومت قانون در زمان سلطنت ناصرالدین شاه کوشید، وی هیجده سال پس از تدوین رساله "یک کلمه" و هیجده سال پیش از صدور فرمان مشروطیت در زمانی که "کارگزارمهام خارجه آذربایجان" بود نامه ای به مظفرالدین میرزای ولیعهد که در دارالسلطنه تبریز اقامت داشت، نوشت. وی به مخاطره آمیز بودن اقدام خود واقف بود، اما "افکار واپسین خود را" در قانون خواهی و دولت خواهی و وطن پرستی "از روی صداقت و حقیقت و راستی" تقدیم کرد، به "سه چهار روز باقی مانده از پایان عمر خود" اشاره کرده و احتمال می دهد تا زمانی که نامه به رویت ولیعهد و شاه برسد "عالم فانی را وداع نموده" باشد. مستشارالدوله انگیزه خود را از نوشتن نامه در "خطر" قرار گرفتن "ممالک وسیعه ی ایران" اعلام می کند و "ترقیات" سریع سایر ملل را از یک طرف و اعمال خودسرانه و فساد "دربار" را از طرف دیگر موجب "ضعف و ناتوانی قوای چندین هزار ساله ی دولت ایران" می داند و خطر متلاشی شدن کشور را گوش زد می کند.

مستشارالدوله "چاره اشکالات" و رفع خطر را براساس "عقیده حکما و سیاسیون جمهورملل متمدن" چشم پوشی از اعمال گذشته {برچیدن بساط کهنه} و تدوین و "تاسیس قوانین تازه" {طرحی نو در انداختن} می بیند.

مستشارالدوله خطاب به ولیعهد می نویسد: ”به خاک پای اقدسست قسم... آنان که جسارت می نمایند که اداره وزارت خانه ها ی حالیه ایدا عیب و نقص ندارد و محتاج تغییرات نیست، حرفی است بی مغز، زلالی است تلخ و قوی است نا مسموع، این ناقص فهمان از طفولیت تا امروز به چپاول معتاد شده اند، شرف و مکننت ملت را گرفته به خرقة خزو رشمه ی طلا داده اند...“ و در قسمت پایانی نامه یادآور می شود چنانچه دولت در برابر برقراری حکومت قانون و تدوین قانون مقاومت نماید ”...لابد و لاعلاج، دولت ایران، (constitution) ...در سخت ترین روزگار، در عداد دول کونستی تو سیون بر می آید

مدتی پس از تحریر و ارسال نامه به دارالسلطنه تیریز میرزا یوسف خان مستشارالدوله به دستور شاه دستگیر و از آذربایجان روانه زندان قزوین می گردد، برای چندمین بار به غل و زنجیر کشیده می شود، خانه و اموال او غارت می شود و آن گونه که نویسنده ”تاریخ بیداری ایرانیان“ گزارش می دهد، چندان زجر و آزارش دادند و کتابچه را بر سرش کوفتند که قدرت بینایی خود را از دست داد و پس از مدت ها اسارت و شکنجه در تنهایی و بیماری و تنگ دستی روی در نقاب خاک کشید

[audio:http://goftar-berlin.de/wp-content/uploads/2012/10/2012-10-06_b.mp3]

رساله ”یک کلمه“ از پرداختن به قانون های مشخص و معین و ایجاد نظامی از ”حقوق موضوعه“ اجتناب ورزید و کوشید بحث خود را بر ”روح قوانین“ فرانسه و دول مترقی متمرکز کند.

مستشارالدوله نوشت: ”قوانین دنیویه برای زمان و مکان و حال است و فروع قوانین غیر برقرار است ، یعنی فروع آنها قابل تغییر است“، اما روح و جان قوانین دایمی است. میرزا یوسف خان به طور عمده در رساله ”یک کلمه“ در حوزه ”حقوق موضوعه“ وارد نمی شود

به احتمال بسیار وی ”به این نکته ظریف در فلسفه حقوق التفات پیدا کرده بود که خاستگاه مغایرت های قانون شرع با قانون های جدید مبانی متفاوت آن ها ست و با امکانات علم قانون شرع نمی توان آن ها را

رفع کرد، اما {او} با جدا کردن اصول اساسی قانون شرع از بسطی که در ادوار فقه پیدا کرده {بود} و تفسیر مبادی قانون شرع بر پایه مبانی نظری حقوق جدید... قانون های جدیدی تدوین کرد {که} این قانون های جدید حتی اگر به طور عمده با تکیه بر <<کتاب اسلامی>> تدوین شده باشد، می تواند در درون نظریه های حقوق جدید مورد تفسیر قرار گیرد و تحول پیدا کند. “ این رجل تجدد خواه به این نکته مهم آگاهی یافته بود که کتاب قانون را نمی توان در بی اعتنایی به ” حقوق شرع {که} بخش مهمی از نظام سنت را تشکیل ” میداد، تدوین کرد

جستجو و تلاش میرزا یوسف خان تبریزی از پیچیدگی موضوعی خبر میداد که بسیاری از روشنفکران قانون خواه و مدافع برقراری حکومت قانون از جمله ملکم خان کمتر به آن توجه کردند

در واپسین فصل های رساله ”یک کلمه“ به اختصار بر ضرورت تاسیس بیمارستان، خدمات شهری، بهره برداری از معادن و ثبت اسناد و قبایح جات در دیوان مخصوص، تعمیر راه ها و تمیزی کوچه ها و درستی مسکوکات سیم وزر اشاره می رود. هم چنین در اهمیت ارتباط با فرنگستان و به خصوص در حوزه ”معرفت“ تاکید و آن را منشا ”بلا تردید اسباب هزار قسم ترقی“ ارزیابی می کند و با استناد به این نظر که منشا و منبع همه خوبی ها و نیکی ها خداوند است، استفاده از هر ”خوبی“ را مجاز می داند و می نویسد: ”در فرنگستان بد گفتن و دشنام دادن و سب (لعنت) کردن آنانی را که از دین و آیین فرنگی ها خارج هستند نا پسندیده و ممنوع است و با دین و آیین احدی کار ندارند کسی از کسی نمی پرسد از چه ”دین و آیینی هستی و این قسم سوال بسیار عیب است

رساله ”یک کلمه“ میرزا یوسف خان مستشارالدوله تبریزی با این جمله پایان می یابد: ”در کتاب خانه های پاریس و لندن بیش از پنجاه لسان کتب دیده ام

[audio:http://goftar-berlin.de/wp-content/uploads/2012/10/2012-10-06_a.mp3]